



گفتمان ما شکست نخورده است

گفت وگو با مصطفی تاج‌زاده

جبهه مشارکت که پس از شکست‌های پیاپی در انتخابات‌های شوراها، مجلس هفتم و ریاست جمهوری اخیر امروز به طور کامل از حاکمیت خارج شده است همچنان بر سیاست‌ورزی در داخل تأکید دارد. این حزب پس از شکست کاندیدای خود در انتخابات و همچنین شکست کاندیدای ائتلافی خود اعلام کرد که قصد دارد برای مدتی نامعلوم سکوت کند. این سیاست به طور عمده سیاسی بود که دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب نیز اتخاذ کرده بودند اما. . .

صفحه ۶

چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۵ ■ ۶ ربیع الاول ۱۴۲۷ ■ ۵ آوریل ۲۰۰۶

تیتراها

همزمان با بررسی طرح کاهش سود بانکی در مجلس صورت‌گرفت

هشدار درباره بحران بانکی

— صفحه ۷ —

گزارش شرق از مذاکرات ایران و هند

— صفحه ۱۰ —

کاردار ایران در عراق اعلام کرد بغداد محل مذاکره ایران و آمریکا

— صفحه ۲ —

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۲۹۶۰ تومان
سکه تمام بهار	۱۳۸۵۰۰ تومان
نیم سکه	۶۹۰۰۰ تومان
دلار	۹۱۷ تومان
یورو	۱۱۱۵ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۴۸۰/۶

 واکنش‌ها به درگیری کردها و پلیس ترکیه	 آرش فرح زاد: درگیری‌های یک هفته اخیر پلیس ترکیه و تظاهرکنندگان کرد در استانبول و نیز جنوب شرقی ترکیه مورد توجه تعدادی از روزنامه‌های روز گذشته اروپا قرار گرفته بود. روزنامه اتریشی «استاندار» با ابراز نگرانی از وقوع درگیری بین نیروهای پلیس و کردها نوشت: «در سال‌های اخیر مناطق کردنشین ترکیه نسبتاً آرام شده بود اما اتفاقاتی که در روزهای اخیر افتاد همه چیز را به حالت اول بازگرداند. خشونت‌های روزهای اخیر برای کشوری که قصد دارد به اتحادیه اروپا بپیوندد و خود را کشوری اروپایی می‌داند بسیار زیان‌بار است.» این روزنامه با اشاره به بمب‌گذاری اخیر توسط حاسمیان حزب PKK در استانبول که به کشته شدن چهار نفر منجر شد با کردهای ترکیه توصیه کرد که در صورت شدت‌گرفتن ناآرامی‌ها پلیس ترکیه با خشونت بیشتری با کردهای معترض برخورد خواهد کرد. «حزب PKK درصد این است که اوضاع ترکیه را به سال‌های آغازین دهه گذشته بازگرداند. این هدف کردها و اصلاحات و برنامه‌های رئیس‌جمهور ترکیه را برای آرامش و ثبات بخشیدن تحت تأثیر قرار خواهد داد. کردها سه سالی است که امیدهای خود را از حزب خود قطع کرده‌اند و شرایط دشوار اقتصادی و ضعف‌های فرهنگی را جنوب‌شرق ترکیه باعث شده است که آنها مجدداً پیش پا افتاده‌ترین و البته پرهزینه‌ترین راه که همان اقدامات خشونت‌بار است را در پیش گیرند.» روزنامه آلمانی «تاکس سایتوگ» نیز شرایط اقتصادی و فرهنگی جنوب شرق ترکیه را عاملی مؤثر در بروز این خشونت‌ها می‌داند و رفع این معضل را از دشواری‌های دولت آینده ترکیه قلمداد می‌کند. «دولت آینده باید اصلاحاتی پایه‌ای در زمینه رعایت حقوق بشر در ترکیه را به اجرا درآورد. اقداماتی که دولت فعلی ترکیه انجام داده است چندان کافی نیست.
--	--

به سال‌های آغازین دهه گذشته بازگرداند. این هدف کردها و اصلاحات و برنامه‌های رئیس‌جمهور ترکیه را برای آرامش و ثبات بخشیدن تحت تأثیر قرار خواهد داد. کردها سه سالی است که امیدهای خود را از حزب خود قطع کرده‌اند و شرایط دشوار اقتصادی و ضعف‌های فرهنگی را جنوب‌شرق ترکیه باعث شده است که آنها مجدداً پیش پا افتاده‌ترین و البته پرهزینه‌ترین راه که همان اقدامات خشونت‌بار است را در پیش گیرند.» روزنامه آلمانی «تاکس سایتوگ» نیز شرایط اقتصادی و فرهنگی جنوب شرق ترکیه را عاملی مؤثر در بروز این خشونت‌ها می‌داند و رفع این معضل را از دشواری‌های دولت آینده ترکیه قلمداد می‌کند. «دولت آینده باید اصلاحاتی پایه‌ای در زمینه رعایت حقوق بشر در ترکیه را به اجرا درآورد. اقداماتی که دولت فعلی ترکیه انجام داده است چندان کافی نیست.

محضر مبارک حضرت آیت‌الله آقای مکارم شیرازی

رحلت والده ماجده حضرت مستطاب عالی

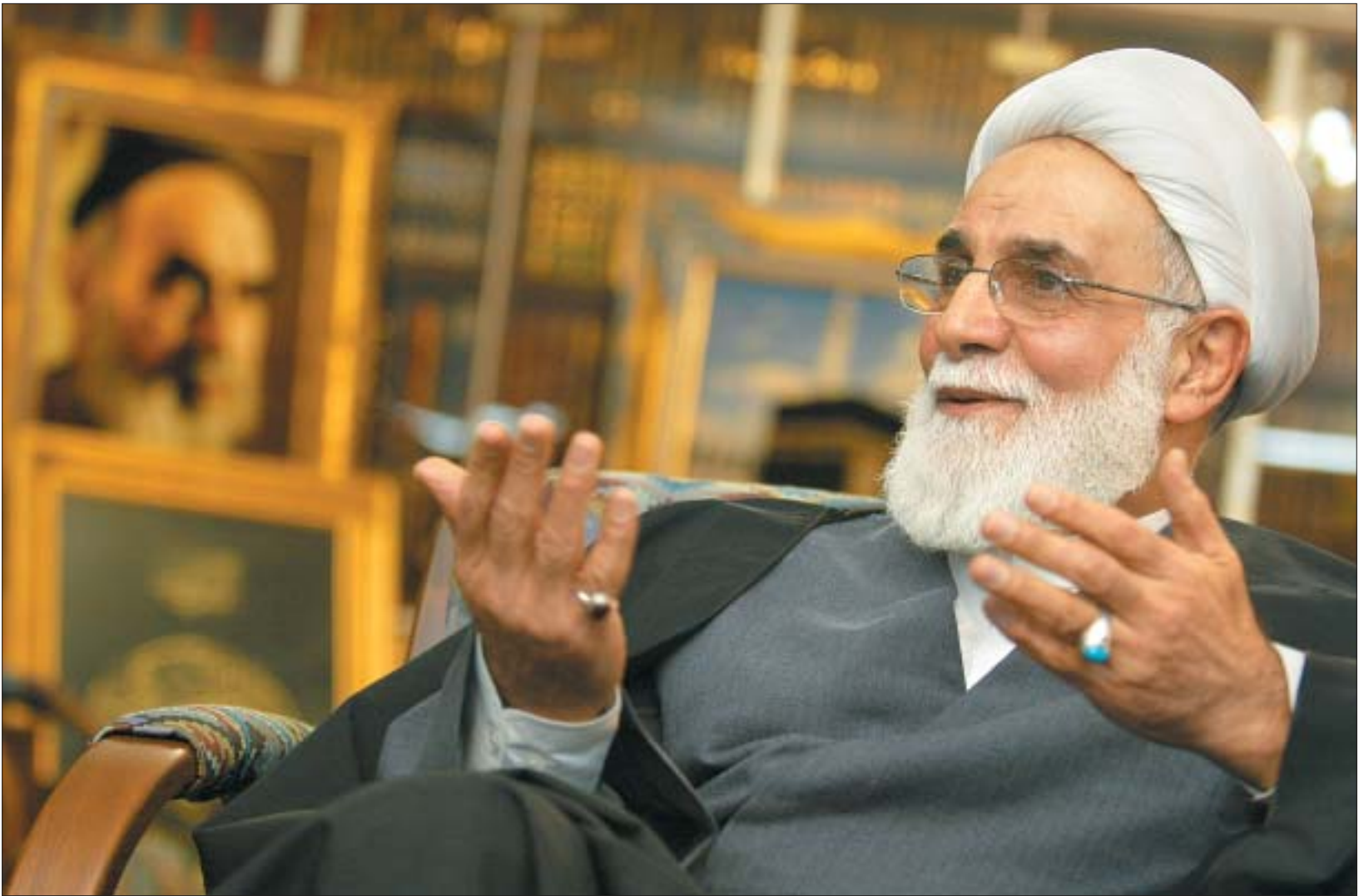
را خدمت جناب عالی تسلیت می گوئیم .

از درگاه خداوند تبارک و تعالی سعادت و صحت و توفیقات حضرت عالی را مسئلت می نمایم .

روزنامه شرق

روزنامه شرق

ناگفته‌های ناطق نوری در گفتگو با شرق



ناطق‌نور‎ی در جریان گفتگو با شرق

بنیانگذاران آن بود. یک روز به من گفت که آقای نوری، این آقایان و علمای مناطق را هفته‌ای یک‌بار دور هم جمع کنید تا با هم گپی بزنند. این اتفاقی مفید است. وقتی جمع شدند از مرتب این سؤال مطرح می‌شد که چرا کنار می‌روی، چه اتفاقی رخ داده و من باید به این سؤالات جواب می‌دادم. به همین خاطر تصمیم گرفتم دم‌پر نیایم و سخنی نیز نگویم. ■ حالا این کنار کشیدن از فعالیت‌های تشکیلاتی آیا به معنای پایان فعالیت‌های سیاسی و خداحافظی با آن است؟ نه. ما‌ها که قاتل به این هستیم دین و سیاست ما یکی است و منشأ آن از یک‌جا است نمی‌توانیم سیاست را کنار بگذاریم، ما از ابتدا این‌گونه بار آمدیم.

■ پس تصمیم دارید همچون آقای کروبی تشکیلات جدیدی را راه‌اندازی کنید یا حزب جدیدی پایه‌گذاری کنید؟ این تعبیر درست است؟

ما از ابتدا این‌گونه بار آمدیم، به دوستان در تشکل‌های جبهه پیروان خط امام و رهبری و تشکل‌های همسو گفته‌ام که به دنبال شخص دیگری به جای من بگردید. می‌خواهم کنار بروم. اما هیچ وقت این اتفاق نیفتاد و هرچه به انتخابات شوراهای دور دوم و بعد مجلس هفتم و سپس انتخابات ریاست جمهوری نزدیک شدیم، کسی پیدا نشد که بیاید زیر این بار سنگین. من ناگزیر ماندگار شدم. بعد دیدم این دوستان ما، خیلی ناهماهنگ حرف می‌زدند، مصاحبه می‌کنند و با مسائل را مطرح می‌کنند. خوب لازم بود هماهنگی‌های صورت بگیرد.

■ کدام از گروه‌ها و دوستانان ناهماهنگ بودند.

تشکل‌های همسو که با ما مرتبط بودند بیشتر از دیگران ناهماهنگ بودند. بالاخره تصمیم گرفتم آنها را جمع کنم. پیشنهاد دادم که یک جمع متمرکز بشویم و هماهنگ حرکت کنیم. اگر بنا است حرف بزنیم، همه یک نظر را بگوییم.

■ این در چه دوره زمانی بود؟

حدوداً قبل از انتخابات دور دوم شوراها بود.

ادامه در صفحه ۲

ما صید لاغریم

گفت‌وگو با مسعود بهنود

گاه رویه‌روی آدم‌های بزرگ قرار گرفتن هراس‌انگیز است، دست‌ها عرق می‌کند و صدا می‌لرزد. این بار رویه‌روی کسی قرار می‌گیرد که شناخته‌شده‌تر از آن است که نیازی به معرفی داشته باشد. ولی این گفت‌وگو یا او در فضا و موضوع متفاوتی انجام می‌شود؛ مسعود بهنود روزنامه‌نگار و قصه‌نویس، که این بار به سراغ قصه‌هایش رفته‌ایم. با آنکه رویه‌روی او نبودم همچنان آن اضطراب را حس می‌کردم و او را با همان پیپ رویه‌روی خود مجسم می‌کنم که. . .

صفحه ۱۷



سال سوم ■ شماره ۲۲۸ ■ ۲۸ صفحه ■ ۱۵۰ تومان

سرمقاله

محافظه‌کاری مقابل توده‌گرایی

سعید لیلان

اگر بر فرض محال سیر تاریخی جوامع بشری به گونه‌ای بود که مثلاً همهٔ آحاد جامعه را «یک نسل» از «یک» خاستگاه اجتماعی و اقتصادی تشکیل می‌داد و پس از مرگ همزمان همهٔ آنها نسل بعد – به همان یک دستی – شکل می‌گرفت، آنگاه در سایهٔ این همگونی البته کسالت‌بار، مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی چون «محافظه‌کار» و بدیل متقابل آن «اصلاح‌گرا» هرگز پدید نمی‌آمد. اما چنان‌که می‌دانیم، خوشبختانه جوامع بشری کل به هم پیوسته و متداولی هستند که در همه سطوح و عرصه‌ها طیف بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شوند. از این رو، همان قدر که تنوع و ناهمگونی جوامع در سطح سواد، درآمد اقتصادی، خاستگاه فرهنگی و اجتماعی و عوامل مشابه دیگر طبیعی و بدیهی است، «محافظه‌کار» یا اصلاح‌گرا بودن نیز چنین است. مانند بسیاری سوءتفاهم‌های دیگر، در کشور ما واژه «محافظه‌کاری» عموماً به عنوان ناسزا به کار می‌رود؛ حال آنکه به این اعتبار، محافظه‌کاری همان قدر قابل حذف کردن – چنان‌که در این سال‌ها بسیاری به تحقّق آن کوشیدند – است که مثلاً نوزگاری یا اصلاح‌طلبی. طرف سال‌های اخیر، بسیاری از اصلاح‌طلبان بیشتر در واکنشی غیرارادی به تلاش همان قدر که ناآگاهانه از اردوی مقابل برای ناسزا نشان دادن مفهوم «لیبرالیسم» و اصلاح‌طلبی کوشیده‌اند با تحمیل بار منفی به مفهوم محافظه‌کاری چنین پشیمانند که یک جامعه بدون محافظه‌کاری و محافظه‌کاران، به نته‌شدنی، بلکه لازم است. طبق این تصویر، محافظه‌کاری مانعی برای رشد و پیشرفت است و شرط اصلی هر گونه توسعه، محو کامل آن است. البته این توهم زیانبار و دردناک در کشور ما که محصول برداشت‌های خدام از انقلاب و ساختارهای اجتماعی است، نخست از جبهه مقابل آغاز شد. از همان ابتدای انقلاب و به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی، راستگرایان کوشیدند با اصل نشان دادن محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبی را بدعت و انحراف بنمایانند؛ غافل از آنکه بدون اصلاح‌طلبی، جامعه می‌کند و بدون محافظه‌کاری، منجر می‌شود و تصور جامعه بدون این دو، تصور بدنی بدتر سر یا با است. یک پیامد منفی این تیزبینی بی‌رحمانه هر دو سوی روشنفکران جامعه ایرانی طرف سده‌هه اخیر به پای درخت دیگری، هم ظهور و هم رشد کمابیش سرطانی رادیکالیسمی است که اکنون دیگر دست‌کم برای خاورمیانه و کشور ما از مرحله حرف و شعار عبور کرده و کار آن به جاهای بزرگتر کشیده است. در غیاب روحیه تحمل‌چپ از سوی راست و بالعکس، روحیه‌ای رشد می‌کند و هر دم تکثیر می‌یابد که به هیچ‌یک و هیچ چیز دیگری قاتل و معتقد نیست و برای حل مشکلات به راه‌هایی می‌اندیشد که در حرف و حتی در عمل فوری زیبا و شدنی می‌نماید و کار علمی و کارشناسی را مسترزه می‌کند و هنجارهای عقلی را ناکارآمد می‌شمارد، اما در صحنه عمل جز به اتلاف بیشتر توان ملی و تمدنی نمی‌انجامد. اگر در ۱۰ سال اخیر، ما بعضاً به کمتر از محو کامل محافظه‌کاری بدون کوچک‌ترین توجیهی به زمینه‌ها و خواستگاه‌های پس‌نیزوند و پایدار آن در جامعه ایران قائل نبودیم، جای شگفتی چندانی نیست اگر اکنون عنان و زمام اختیار را در قف رادیکالیسمی ببینیم که سراب را آب می‌نمایاند و ملتی را در پی آن می‌کشد. پیامد منفی دیگر، در حوزه اقتصاد است. در جامعه‌ای چون ایران، اگر اکثریت مردم در سیاست اصلاح‌طلبند، بی‌تردید همان اکثریت در حوزه اقتصاد جز به محافظه‌کاری نمی‌توانند پیشند. از این رو سرکرد محافظه‌کاری – و نه البته سنت‌گرایی – معادل سرکرد خاستگاه‌ها و ریشه‌های محافظه‌کاری است. اگر بنیان‌های اقتصادی ایران چنین تاناز و بر پایه سراب یعنی غالباً درآمد‌های نفتی استوار است، بسا که به سبب ضعف بنیه نظری و عملی محافظه‌کاری در جامعه ماست. بدون محافظه‌کاری و محافظه‌کاران، بخش خصوصی به مثابه سنگ‌بنای هرگونه توسعه اقتصادی درون‌زا و پایدار، شکل نمی‌گیرد و بدون بخش خصوصی نیز اقتصاد ملی سرانجام – مانند تجربه کشور ما – جز ماشین تبدیل درآمدت به یارانه و ساختارهای فزینگی ناکارآمد از آب درنخواهد آمد. در این حوزه نیز البته محافظه‌کاران همانقدر مقصدرس که اصلاح‌طلبان. اگر در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی محافظه‌کاران در مواجهه کلامی و سیاسی با اصلاح‌طلبی «مسאות اقتصادی» را معادل «عدالت اجتماعی» و به جای آن جان‌نمی‌زدند و با انحرافی ۱۸۰ درجه‌ای از اصول بدیهیی محافظه‌کاری خود را طرفدار دوتایشه سوسیالیسم از نوع تخیلی آن نمی‌نمایانند، شاید امروز صحنه را چنین به رادیکالیسمی که همان شعار را بسیار بهتر و زیباتر سر داده و به اجرای آن مشغول است، واگذار نمی‌کردند. حوادث سیاسی یکی – دو سال اخیر احتمالاً نشان داده است که اگر هر یک از ما فقط با هدف جلب افکار عمومی و سوار شدن بر امواج احساسات توده‌ای «اصول» خود را زیر پا بگذاریم و به حاکمیت چنین اصلی تن بدهیم، همواره هستند کسان و گروه‌هایی که بسیار ماهرانه‌تر و با خجالت و شرمساری کمتر چنین می‌کنند و گوی سبقت را از بقیه می‌ربایند. بنابراین اگر بنیاست که در برابر ناهنجاری‌های رادیکالیسم محصول دوران گذار چنین شعار سریده‌یم که زنده باد محافظه‌کاری یا اصلاح‌طلبی، پس پیش از آن باید چنین فریادکنیم که «زنده باد اخلاق و اصول سیاس». بدون این و آن دو جز به توده‌گرایی عوامانه از نوعی که همگان کمابیش می‌شناسیم، نخواهیم رسید.

■ یعنی از شورای هماهنگی؟

حالا چه در شورای هماهنگی و چه شبیه به این نوع تشکیلات. خوب لازم‌اش این بود که کمتر سخن بگویم. زیرا مرتب این سؤال مطرح می‌شد که چرا کنار می‌روی، چه اتفاقی رخ داده و من باید به این سؤالات جواب می‌دادم. به همین خاطر تصمیم گرفتم دم‌پر نیایم و سخنی نیز نگویم. ■ حالا این کنار کشیدن از فعالیت‌های تشکیلاتی آیا به معنای پایان فعالیت‌های سیاسی و خداحافظی با آن است؟ نه. ما‌ها که قاتل به این هستیم دین و سیاست ما یکی است و منشأ آن از یک‌جا است نمی‌توانیم سیاست را کنار بگذاریم، ما از ابتدا این‌گونه بار آمدیم.

■ خلاصه گفتگو

۱– طرح‌های انتخاباتی احمدی نژاد فضایی بود. ۲– از این به بعد در سیاست انفرادی عمل می‌کنم. ۳– آقای هاشمی به من گفته بود مطلوب من آقای ولایتی است. ۴– میوه درخت ما در انتخابات کال از درخت افتاد. ۵– به آقای احمدی نژاد گفتم برنامه‌های او در انتخابات عملی نیست، او نامه نوشت و گفت دیگر کاندیدای شورای هماهنگی نیست. ۶– جمعیت‌انبارگران تأثیرگذار نیست. ۷– در دولت گذشته و دولت فعلی شایسته سالاری اتفاق نیفتاد. ۸– مخالف بستن فضای سیاسی هستم. ۹– استراتژی آقای احمدی نژاد را نه سیاست خارجی می‌پسندم اما تاکتیک او را نه. ۱۰– رئیس‌جمهور کارشناس مسئله‌امان زمان نیست. ۱۱– صحبت‌های آقای مصباح را درباره مقبولیت و مشروعیت پسندیدم.

هر کسی باید برای فعالیت‌های تشکیلاتی خودش عمری را تعریف کند. این عمر که تمام شد باید به اتاق فکر برود و دیگران از تجربه به استفاده کنند. اما به عنوان یک عنصر سیاسی مثل بسیاری دیگر در صحنه هستم ولی در تشکیلات نیستم.

■ در واقع می‌توان استنباط کرد که شما از جامعه روحانیت مبارز نیز کناره گیری کرده‌اید؟

خیر. جامعه روحانیت یک تشکیلات حزبی نیست. روحانی است. از قبل از انقلاب نیز بود. آقای مطهری از جمله

نه. این اصلی است که من به آن اعتقاد دارم و قائلم که مسئولین باید کمتر سخن بگویند. خاطرم هست در سال ۴۶ که من را دستگیر کرده بودند به زندان قزل قلعه برده بودند. آنجا چند نفر زندانی توده‌ای هم وجود داشت. بعداً با هم آشنا شدیم. در مسیر وضو گرفتن گاهی آنها را می‌دیدم و کلامی با هم سخن می‌گفتم. یکی از آنها با ایما و اشاره به من گفت که وقتی برای بازجویی بردند، کم حرف بزن. پاسخ‌های بازجو را کوتاه بده. دلیل آن را فهمیدم. اما بعداً که روابط ما کمی آزاد شد و اجازه دادند ارتباطی بیشتر باشد، از او پرسیدم که منظورت را برایم روشن تر کن. گفت بعضی‌ها عادت دارند که وقتی از آنها سؤال می‌شود مرتب پاسخ بدهند و صحبت کنند. اما غافل هستند که بازجو از میان آن جواب‌ها سئوالات جدیدی مطرح می‌کند. زیرا تخصص یک بازجو این است و او حرفه‌ای است. هرچه بیشتر انسان حرف بزند، ممکن است خطای بیشتری نیز داشته باشد.

■ اما شما در جریان انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری کم و بیش اظهاراتی داشتید، در جلسات و محافل دیده می‌شدید. اما ناگهان سکوت پیشه کردید.

خوب در انتخابات ریاست

جمهوری جریان ما در شورای هماهنگی نیز مثل همه جریانات دیگر دچار بعضی از تفاوت دیدگاه‌ها شد. در نتیجه فکر می‌کنم بعد از مجلس پنجم بود که به این سمت حرکت کردم. تصمیم گرفتم بوم زیاد سخن نگویم تا اینکه به انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم رسیدیم. من به این اصل اعتقاد دارم که مسئولین کشور و سیاستون ما بسیار حرف می‌زدند. مصاحبه‌های زیادی دارند و همین باعث می‌شود که سخنانشان کم‌اثر شود و دیگران نیز روی این سخنان تعمق نمی‌کنند. ضمن آن ممکن است تبعات و مسائلی نیز به دنبال داشته باشند.

■ اما به نظر می‌رسد شما به این دلیل سکوت نکرده‌اید.